

## باسمه تعالی

### پیاده‌سازی جلسه‌ی ۸۲ تفسیر سوره‌ی مبارکه‌ی بقره

#### حجت‌الاسلام والمسلمین قاسمیان - ۵ شنبه ۶ شهریور ۹۷

#### خلاصه

با توجه به مصادف شدن جلسه‌ی هشتاد و دوم تفسیر سوره‌ی مبارکه‌ی بقره با ایام عید غدیر، جلسه با اشاره‌ای به اهمیت این ایام آغاز شد. یکی از هدف‌دارترین اعیاد، عید غدیر است؛ البته نه به خاطر فضائل امیرالمؤمنین علیه‌السلام، چراکه کسی در فضائل حضرت شک نکرده است. قطب همه امیرالمؤمنین علیه‌السلام است و همه مست وجود ایشان هستند. خود ائمه علیهم‌السلام می‌گویند: «أَفْضَلُنَا عَلَيَّ» و خودشان را در حدّ عبد امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌دانند. اگر کسی به آنان امیرالمؤمنین خطاب می‌کرد، می‌گفتند: امیرالمؤمنین یکی بیشتر نیست و آن هم حضرت علی علیه‌السلام است. بنابراین در فضائل که هیچ بحثی نیست، اما ولایت بحث دیگری است. نکته‌ی اصلی در غدیر، ولایت و حاکمیت و سرپرستی است. «رسیدن به حاکمیت دین در عرصه‌های مختلف»، آن ولایتی است که دنبالش هستیم که می‌شود غدیر جاری. ما دنبال غدیر جاری هستیم. و آلا غدیر خم یک صحنه‌ی تاریخی است و به من و شما چه که یک عده آمدند در غدیر خم و اتفاقی افتاد؟! اگر ربط دارد به خاطر این ربط دارد که آیا ما الان سر جریان غدیر ایستاده‌ایم، یا سر جریان سقیفه؟ هزینه‌های غدیر را پرداخت می‌کنیم یا نمی‌کنیم؟ هزینه‌های غدیر کارکردن است، حرف زدن است، مطالبه‌گری است، مردمی‌سازی است، ... همه‌ی این‌ها آن هزینه‌هایی است که باید بدهیم تا غدیر را حفظ کنیم.

در ادامه مروری بر بحث تغییر قبله صورت گرفت. اشاره شد که با رویکرد قرآنی، بحث تغییر قبله بحث جهت‌گیری است نه جهت! فرق است بین جهت‌گیری‌ها و جهت! جهت امری اعتباری است و جنوب و شمال بودن در آن مهم است؛ در صورتیکه فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ (بقره: ۱۱۵) هر طرف بچرخي وجه الله است. بحث قبله مرتبط می‌شود با بحث امام و حاکمیت. مسئله قبله، جهت‌گیری و حاکمیت قوم برگزیده بوده است و تغییر قبله، تغییر جهات حاکمیت و تغییر قوم برگزیده بوده است.

این که می‌گویند: «تمام الحج لقاء الامام» یعنی در اتمام حج بیایید ما را ببینید و پیمان ببندید. اصلاً کعبه را به عنوان سمپوزیوم و به تعبیر قرآن مَثَابَةً لِّلنَّاسِ (بقره: ۱۲۵) میعادگاه معرفی می‌کند، آن هم نه میعادگاه عاشقان که میعادگاه مردم، میعادگاه عالم، یعنی در آخر باید معلوم بشود پایگاه کجاست.

ذیل آیه‌ی ۱۲۰ اشاره شد، معنی آیه این نیست که شما یهودی، مسیحی را کنار بگذار! اصلاً بحث در این سطح نیست؛ سطح بحث حاکمیت‌هاست. این جاست که می‌گوید: آی مردم! آی پیغمبر! اگر دنبال جلب رضایت این‌ها هستی، اصلاً راضی نمی‌شوند. این‌ها تا تهاش می‌روند. این را بفهمید! یکسری مسلمان راه افتادند گفتند: آقا نمی‌شد این قبله عوض نشود؟! بیایید بر سر این قبله با این‌ها یک مذاکره‌ای بکنیم. قبله که فقط یک جهت است! این را بدهیم، عوض خودمان را در جامعه‌ی جهانی نگه می‌داریم. یعنی یک آرمان بدهیم، به جایش در جامعه‌ی جهانی یک نفسی می‌کشیم. بالاخره این همه غیظ و غضبی که نسبت به ما کردند کم می‌شود. این حرف برای یک عده آدم ترسو، کاملاً منطقی است.

من نمی‌خواهم عرض بکنم دأب قرآن این است که مذاکره نکنیم! اخیراً یک حرف طلایی حضرت آقا در دیدار دولت زدند که اصلاً توثیقی است، گفتند: «ما می‌گوییم به اروپا امید نداشته باشید، ما نمی‌گوییم مذاکره نکنید» اساساً مذاکره کردن یک کار است، امید بستن یک کار دیگر است.

یهود و نصاری هرگز از تو راضی نمی‌شوند حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ تا آنکه از آیینشان پیروی کنی؛ باید بروی در هاضمه‌ی آن‌ها تا هضمت کنند. به این هم نیست که اگر قبله را به آن طرف دادی، چیزی می‌گیری! این‌ها تا ته با تو می‌آیند. در آیه دارد يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا (انفال: ۱۵) اگر دیدید کفار جمع شدند؛ یعنی دیدی تازه کفار شدند احزاب! اگر شد جامعه‌ی جهانی، فَلَا تُؤَلُّوهُمْ الْأُدْبَارَ نباید پشت کرد. در نرو! اگر بایستی نتیجه می‌گیری، نه این که اگر بخواهی خودت را لوس بکنی و برای آن‌ها ابراز احساسات بکنی و امید ببندی. اما وَمَنْ يُؤَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبرَهُ ... فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ (انفال: ۱۶) کسی که در چنین روزهایی که کار بیخ پیدا می‌کند و کفار دارند جمع می‌شوند و تحریم می‌کنند، پشت بکنند، این دنیایش را هم تخریب می‌کند، آن دنیایش را هم که خراب کرده. این همان ماجرای عجل است که إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَذَلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا (اعراف: ۱۵۲) این طرف را هم خراب کرده، آن طرف را هم خراب کرده است. در انتهای آیه، پیغمبر را تهدید می‌کند. قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى (بقره: ۱۲۰) هدایت نسخه‌ی بدل ندارد، همین است که من می‌گویم؛ یعنی در همین مسیری که من می‌گویم مبارزه کن، فکر نکن که کارهای دیگری هم می‌شود کرد که مثلاً بیایم این جور مذاکره کنیم! سعی نکنید هنرنمایی‌های این مدلی بکنید وگرنه به خودت وامی‌گذارمت. دیگر تو می‌دانی و آن هنرنمایی‌های خودت در مذاکرات. این که فلان مسئول کلی دوره دیده و حقوق بین‌الملل بلد است و در فلان جا، یک مذاکره‌ای می‌کند، آخرش همانی می‌شود که امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه گفته: اگر این جور بکنید «ثُمَّ لَا جَبْرَائِيلُ وَ لَا مِيكَائِيلُ وَ لَا مُهَاجِرُونَ وَ لَا أَنْصَارٌ يَنْصُرُونَكُمْ إِلَّا الْمُقَارَعَةَ بِالسَّيْفِ»؛ دیگر هیچ کس کمک شما نیست و شما می‌مانید و چکاک شمشیرها. بزن مذاکره کن ببین چه در می‌آید؟! دیگر روی هیکل ما حساب نکن! وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ اگر رفتی سراغ هوای نفس یک عده، از سوی خدا هیچ سرپرست و یآوری برای تو نخواهد بود. هوای نفس یعنی به آن چیزی که خدا گفته، می‌گوید نه! یا شک دارد، یا می‌گوید خودم در مطالعاتم یک چیزهایی در آوردم. کلام حضرت امیر در این باره خیلی عجیب است: «كَمْ مِنْ عَقْلٍ اسِيرٍ تَحْتِ هَوَى امِيرٍ» چقدر عقولی که تحت هوای نفسی است که آن هوای نفس دارد به او می‌گوید که چه کار بکن و چه کار نکن! چه جور فکر کن! چه جور بگو! چه جور مذاکره کن! یعنی عقل هست منتها، امیر نیست!

در آیه‌ی ۱۲۱ می‌فرماید: الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ كَسَانِي كَسَانِي كَسَانِي (نه اینکه کسانی که اهل مطالعه هستند بلکه) کسانی که اهل وحی هستند چنانچه يَتْلُونَهُ حَقًّا تِلَاوَتِهِ این قرآن را به حق تلاوتش بخوانند أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ به پیام‌هایش ایمان می‌آورند. خدایی این کتاب پیام دارد. این کتاب در کل دنیا پهنای لَبَّتِي هِيَ أَقْوَمُ (اسراء: ۹) است. کل دنیا در علوم انسانی‌شان معطل‌اند. بعد ما این را می‌گذاریم کنار، نه تلاوت می‌کنیم و نه حق تلاوت را ادا می‌کنیم. حق تلاوت این است که شما مریضی‌ات را بیاوری این‌جا؛ مریضی شخصی، خانوادگی، اجتماعی، بین‌المللی، همه را بیاوری در بستر قرآن و بخواهی حلش کنی و مطمئن باشی که قرآن جوابش را دارد. بعضی می‌خواهند

۱۰. بی‌تردید این قرآن به استوارترین آیین هدایت می‌کند.

بگویند فلان امر خرد هم در قرآن هست یا نه؟! البته در بواطن قرآن ممکن است باشد اما همین ظاهر قرآن باید اصول و مبانی را بدهد که می‌دهد. بقیه‌اش هم اصلاً وظیفه قرآن نیست. خدا عقل داده، تو این اصول را بگیر و با عقل، آن پایه‌های نظام را از پایین بچین.

در پایان هم به مناسبت اجتماع هیئات دانشجویی، بیان شد که همواره شیعه در بحث ماندگاری ولایت و حاکمیت، خودش را به صورت یک اپوزیسیون و با شیوه‌های مردم‌نهاد، نگه داشته است با جریان مرجعیت و خمس (که نظام مالی شیعه بوده) و ارتباطی که با پایگاه مساجد و هیئات داشته است. اما بعد از انقلاب، یک اشتباهی رخ داد و آن این بود که بسیاری از جاهای مردم‌نهاد خرد شد و تبدیل شد به نظام‌های حاکمیتی؛ یعنی به مثلاً جای این که شبکه‌های مردم‌نهاد خودشان به فقرا برسند، نهادهای حاکمیتی خودشان بابت این کار وارد عمل می‌شوند و پول می‌گذارند، و آن نهادهای مردمی می‌روند در نظام‌های اداری و بعد از این طرف توقع ایجاد می‌شود برای شبکه‌های مردم‌نهاد که حالا که حاکمیت خودش هست، خودش این کارها را بکند! این به شدت انقلاب را دچار چالش می‌کند و خواهد کرد و کرده. مردمی‌سازی یکی از اوجب واجبات امروز انقلاب ماست. جنس انقلاب ما مردمی و هیئت محور بود. با همین انقلاب کردیم؛ با همین مسجد محوری و هیئت محوری و حبّ اهل بیت و معارف قرآن و اهل بیت هم می‌توانیم انقلاب را حفظ کنیم.

**موضوعات اصلی:** غدیر، قبله، شیوه مردم‌نهاد

**موضوعات فرعی:** کعبه، مذاکره، عقب نشینی، هوای نفس، حق تلاوت، مردمی‌سازی، هیئت محوری

**آیات اصلی:** ۱۲۰ و ۱۲۱ بقره

**سایر سوره‌ها:** آل عمران: ۹۶، مائده: ۹۷، انفال: ۱۶-۱۵

## فهرست مطالب

- ۱- به مناسبت غدیر ..... ۵
- ۱-۱- اهمیت غدیر نه به دلیل فضایل امیرالمؤمنین که به دلیل جاری بودن ولایت ..... ۵
- ۱-۲- غدیر جاری؛ رسیدن به حاکمیت دین در عرصه‌های مختلف ..... ۶
- ۲- بحث قرآنی ..... ۶
- ۱-۲- قبله، بحث جهت‌گیری نه جهت ..... ۷
- ۱-۲-۱- پوششی بودن جریان بیت‌المقدس ..... ۷
- ۱-۲-۲- کعبه؛ میعادگاه مردم ..... ۸
- ۲-۲- آیه‌ی ۱۲۰ بقره ..... ۹
- ۱-۲-۲- حاکمیتی بودن سطح بحث (كُنْ تَرَضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ) ..... ۹
- ۲-۲-۲- در اسلام، عقب‌نشینی ممنوع! (حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ) ..... ۱۰
- ۲-۲-۳- هدایت خدا نسخه بدل ندارد (قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ) ..... ۱۱
- ۲-۲-۴- هوای نفس؛ عمل مخالف دستور الهی (وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ) ..... ۱۱
- ۲-۲-۵- عمل براساس هوای نفس، خارج شدن از دستگاه ولایت و نصرت الهی (مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ) ..... ۱۲
- ۲-۳- آیه‌ی ۱۲۱ بقره ..... ۱۲
- ۲-۳-۱- حق تلاوت قرآن؛ یعنی گرفتن اصول زندگی از آن ..... ۱۳
- ۳- به مناسبت اجتماع هیئات دانشجویی ..... ۱۴
- ۳-۱- شیوه‌ی مردم نهاد، رمز ماندگاری شیعه در طول تاریخ ..... ۱۴
- ۳-۲- نقد به حاکمیتی شدن مراکز مردم نهاد شیعی بعد از انقلاب ..... ۱۵
- ۳-۳- مردمی سازی، از اوجب واجبات امروز انقلاب ..... ۱۵
- ۴- اردوی جهادی پزشکی ..... ۱۶

## ۱- به مناسبت غدیر

### ۱-۱- اهمیت غدیر نه به دلیل فضایل امیرالمؤمنین که به دلیل جاری بودن ولایت

[۱-] یکی از بهترین و هدفدارترین عیدها عید غدیر است. بهترین عید ما عید غدیر است نه به خاطر فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام که فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام ربطی به عید غدیر ندارد (گرچه پایه‌ی عید غدیر می‌تواند باشد) چون کسی در فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام شک نکرده است؛ از مسیحی و بودایی و هندی و سنی و شیعه و صوفی و عالم تا کشتی‌گیر همه می‌گویند امیرالمؤمنین علیه السلام مال ماست و همه هم درست می‌گویند. قطب همه امیرالمؤمنین علیه السلام است. حتی در فرق درویش اینطور است که اگر درویشی نتواند سلسله‌ی نَسَبشان را به امیرالمؤمنین علیه السلام برگرداند، از نظر خودشان آن درویش باطل هستند. در این فرقه‌ها یک درویش باید بتواند بگوید که من چگونه به جهت درویشی به امیرالمؤمنین علیه السلام منتسب هستم. خلاصه همه مست وجود امیرالمؤمنین علیه السلام هستند. شبلی شمیل (که خودش مسیحی است) می‌گوید: «علی نسخه مفردة»؛ علی علیه السلام نسخه‌ای است که کپی ندارد، حتی کپی برابر با اصل هم ندارد؛ حتی ائمه علیهم السلام هم کپی برابر با اصل امیرالمؤمنین علیه السلام نیستند. خود ائمه علیهم السلام می‌گویند: «أَفْضَلُنَا عَلِيٌّ» و خودشان را در حد عبد امیرالمؤمنین می‌دانند. اگر کسی به آنان امیرالمؤمنین خطاب می‌کرد، می‌گفتند: امیرالمؤمنین یکی بیشتر نیست و آن هم حضرت علی علیه السلام است.

[۳+] در بحث فضائل امیرالمؤمنین که هیچ بحثی نیست، اما بحث ولایت بحث دیگری است. گاهی ما متأسفانه بحث را می‌بریم در فضائل امیرالمؤمنین و همین جا هم متوقف می‌شویم. در صورتی که کسی در فضائل امیرالمؤمنین شک ندارد، هیچ دشمنی در این نتوانسته شک کند. جهاد می‌خواهی علی علیه السلام از همه بالاتر. علم می‌خواهی علی علیه السلام از همه بالاتر. تکان می‌خورد آیه نازل می‌شد. انواع و اقسام شأن نزول‌هایی که در مورد امیرالمؤمنین آمده، خیلی از آن‌ها را خود اهل تسنن نقل کرده‌اند. وقتی می‌خواستند سر جای پیامبر، آیه نازل می‌شود. نماز شب می‌خواند آیه نازل می‌شود. مباحله می‌رود، می‌شود نفس پیغمبر. در صدقات کمک می‌کند، آیه نازل می‌شود. مسخره‌اش می‌کنند، آیه نازل می‌شود. در جنگ احزاب می‌جنگد، آیه نازل می‌شود. شأن نزول خیلی از آیات منحصرأ خود امیرالمؤمنین علیه السلام است.

[۵-] اما آن چیزی که در غدیر است، فضیلت امیرالمؤمنین نیست، بلکه نکته‌ی اصلی در غدیر، **ولایت** و **حاکمیت** و **سرپرستی** است. \_ در سوره‌ی مائده این بحث را مفصل گفتیم - چون **ولایت** هم به معنای **مودت** و هم به معنای **سرپرستی** است، برخی در ولایت به معنای **حبّ** می‌مانند! و بد جایی هم مانده‌اند؛ چون **حبّ** را همه دارند. اگر کسی **حبّ** امیرالمؤمنین را نداشته باشد، اصلاً آدم نیست! مگر می‌شود همه‌ی فضائل را روی هم در کسی جمع بکنی و به او ارادت نداشته باشی؟! به عبارتی **حبّ** امیرالمؤمنین خیلی هنر نمی‌خواهد؛ مثل این که الان شخصیت کسی را برای شما تعریف کنند که ته علم و جهاد و عرفان، ته نماز شب و انفاق و رسیدگی به آسیب‌های اجتماعی است و ...، **حُبّ** آدم، بهش **حبّ** پیدا می‌کند.

[۶-] [حالا ممکن است که] کسی منکر شود و بگوید: «اولاً ما آدم این جوری اصلاً نداریم؛ چون اصلاً این‌ها با هم جمع نمی‌شود که کسی ته علم باشد و برود روی آسیب‌های اجتماعی کار بکند و بعد برود جبهه! اصلاً چنین کسی جبهه نمی‌رود. بعد کسی برود جبهه و ته علم باشد! خوب اصلاً چنین کسی را نداریم.» پس اولاً در باور به چنین شخصیت و پدیده‌ای، خیلی‌ها منکر می‌شوند. جُرق جُرداق همین را گفت که «اگر تاریخ اثبات نکرده که بود که چنین آدمی هست، کلاً من مُنکر می‌شدم. نمی‌شد باور کرد که کسی عالم و عارف باشد بعد حکومت کند و در نماز جمعه خودش را باد بزند و وقتی از او علت را می‌پرسند بگوید: "همین یک پیراهن را دارم، شسته بودم، خیس بود، باد می‌زنم که خشک بشود!" که یعنی این آدم ته زهد و بی‌رغبتی به دنیا است.» نقل شده از ایشان که اصلاً هر فضیلتی هست، او انتهای آن فضیلت است. گاهی که بدن امیرالمؤمنین پیدا می‌شد می‌دیدند پر از ضربات شمشیر است؛ یعنی همه‌ی بدن جای زخم است. یک چنین کسی در اوج همه‌ی فضائل است. واقعاً باورکردنی هم نیست!

[۸-] در نهج البلاغه دارد که همین آدم وقتی به حکومت رسید، ابن عباس دید حضرت دارد کفشش را وصله می‌زند. گفت: من همه را جمع کردم که شما بیایی وعده‌ی انتخاباتی بدهی (مثل وعده‌های امروزی‌ها) که مثلاً صدروزه اقتصاد را هوا می‌کنم! بعدش هم کی به کی است؟! این چیزها که کنتور ندارد!) و حضرت همین جوری سرش پایین است و دارد وصله می‌زند. بعد به ابن عباس که خیلی دارد اصرار می‌کند، می‌گوید: "ابن عباس این کفش چقدر می‌ارزد؟" می‌گوید: "هیچی حداکثر «کسر درهم»؛ مثلاً ده هزار تومان. حضرت می‌گوید: "والله برای من این کفش از حکومت بر شما ارزشمندتر است، مگر این که بتوانیم حقی را احقاق بکنیم و باطلی را ابطال بکنیم." وگرنه ما حکومت برای حکومت نداریم!

## ۱-۲- غدیر جاری؛ رسیدن به حاکمیت دین در عرصه‌های مختلف

[۹+] می‌خواهیم بگوییم «رسیدن به حاکمیت دین در عرصه‌های مختلف»، می‌شود آن ولایتی که دنبالش هستیم که می‌شود **غدیر جاری**. ما دنبال غدیر جاری هستیم. و آلاً غدیر خم یک صحنه تاریخی است و به من و شما چه که یک عده آمدند در غدیر خم و اتفاقی افتاد؟! اگر ربط دارد به خاطر این ربط دارد که آیا ما الان سر جریان غدیر ایستاده‌ایم، یا سر جریان سقیفه؟ آیا می‌خواهیم جریان را به نفع غدیر تمام کنیم یا به نفع سقیفه؟! آیا به نفع حاکمیت اسلام می‌خواهیم تمام کنیم یا به نفع حاکمیت راه دیگر؟! و آن وقت هزینه‌های غدیر را پرداخت می‌کنیم یا نمی‌کنیم؟ هزینه‌های غدیر کار کردن است، حرف زدن است، مطالبه‌گری است، مردمی‌سازی است ... همه‌ی این‌ها آن هزینه‌هایی است که باید بدهیم تا غدیر را حفظ کنیم وگرنه غدیری حفظ نشده.

## ۲- بحث قرآنی

[۱۱-] اتفاقاً این آیاتی که از سوره‌ی مبارکه‌ی بقره که در محضرشان هستیم، تاحدی به این فضای عید غدیر و فضای ولایت و فضای حاکمیت ارتباط دارد که اصل داستان رسیدن به حاکمیت اسلام است نه این که کسی یکسری اعمال فردی انجام بدهد. باید آن حاکمیت باشد و بعد اعمال فردی و اجتماعی انجام بشود. خلاصه همان ربوبیت اعلاء است.

همان ربوبیت اعلائی که فرعون دنبال آن بود ما دنبال آن هستیم. دعوای فرعون و موسی <sup>علیه السلام</sup> هم بر سر همین ربوبیت اعلاست و گرنه نماز و روزه همه جای دنیا هست و کسی هم با این ها مشکلی ندارد.

## ۱-۲- قبله، بحث جهت گیری نه جهت

[۱۲+] ما ماجرای قبله و مسجد و بیت الله الحرام و تغییر قبله را داشتیم با رویکرد دیگری می دیدیم و می گفتیم با رویکرد قرآنی بحث **تغییر قبله** بحث **جهت گیری** است نه جهت! فرق است بین جهت گیری ها و جهت! جهت امری اعتباری است و جنوب و شمال بودن در آن مهم است؛ در صورتیکه (بقره: ۱۱۵) ... **فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ** ... هر طرف بچرخي وجه الله است. پس اصلاً بحث جهت نیست، بحث جهت گیری است. بحث قبله مرتبط می شود با بحث **امام** و **حاکمیت** که شما می بینید ناگهان آیات ۱۲۴ به بحث امام می زند. (ربط آیات به همدیگر و فضا سازی ای که آیات دارند مهم است.)

[۱۴-] داشتیم این حرف را جا می انداختیم که قبله، جهت نیست و مسئله قبله جهت گیری قوم برگزیده و حاکمیت قوم برگزیده بوده است و تغییر قبله، تغییر جهات حاکمیت و تغییر قوم برگزیده بوده است و این که از آن جا نسخه تمام شد و نسخ شد و آمد این جا. قرار بود این قوم بیاید احقاق حق بکند و ربوبیت اعلائی الهی را مستقر بکند، ولی نتوانست، نکرد و زیرش زد بعد از همه نعماتی که خدا به آن ها داده بود. دیگر آن مأموریت را آن قوم برگزیده نمی تواند انجام دهد و لذا از برگزیده بودن خارج شد، پس خدا جهت را عوض کرد.

## ۱-۱-۲ پوششی بودن جریان بیت المقدس

[۱۵-] حالا آیا آن سناریوی [بیت المقدس] پوششی بوده یا نبوده، بالاخره خدا می داند که این ها [قوم بنی اسرائیل] آن کسانی نیستند که بتوانند آن مسئولیت را انجام بدهند؛ برای همین بحث این است که (آل عمران: ۹۶) **إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا...** ۲؛ اصلاً خانه اول و سناریوی آخر [مکه] بوده. ممکن است این جا سناریوهای پوششی وجود داشته باشد که من مفصل راجع به حضرت ابراهیم <sup>علیه السلام</sup> بحث خواهم کرد؛ این که حضرت اسماعیل <sup>علیه السلام</sup> را این طرف و حضرت اسحاق <sup>علیه السلام</sup> را آن طرف گذاشته و کوچ به این سمت و درست کردن قبله جدید که توسط همان سناریوی حضرت ابراهیم <sup>علیه السلام</sup> دارد ماجرای به نام قبله عوض می شود. معلوم می شود که خودشان در بیت المقدس هستند، ولی یک جای دیگری را به عنوان آلترناتیو ۳ توسط علم الهی پیش بینی می شود، کما این که یک موقعی ایران به عنوان جریان آلترناتیو اسلام از طرف ائمه از زمان امام سجاد <sup>علیه السلام</sup> به صورت واضح پیش بینی شد. ۴

۲. یقیناً نخستین خانه ای که برای [نپایش و عبادت] مردم نهاده شد، همان است که در مکه است، که پر برکت است...

۳. جایگزین

۴. الکی نبوده که ایران شده مسلمان شیعه! برای الان این امر واضح است از باب این که معما چو حل گشت آسان شود؛ یعنی الان برای شما واضح است که شما صحنه را از دور می بینید اما در آن موقع واضح نبود؛ خیلی از شیعیان آن موقع نمی دانستند، خاصان نمی دانستند.

[۱۷-] یک بار در بحث غریب الغربای امام رضاعلیه السلام عرض می کردم که غریب الغربا بودن امام رضا علیه السلام این نیست که دور از وطن بوده؛ چون خیلی ها دور از وطن درس می خوانند، کار می کنند و می میرند. بحث غربت امام رضاعلیه السلام بحث دور بودن از وطن نیست، بلکه مثل این است که امام خمینی ره از نجف برگردد ایران، برود اشرف پهلوی را بگیرد و بعد برود سعد آباد بنشینند! طبیعی است که همه خواهند گفت: "ببین با این همه سیستم ما را

[۱۸-] اینکه می‌فرماید: (ال عمران: ۹۶) **إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا... خود پیغمبر آن موقع که مکه بودند، جوری به سمت بیت‌المقدس نماز می‌خواندند که به سمت کعبه باشند؛ یعنی خود پیغمبر هم مطلع بودند و هم این که چشم می‌گرداندند در آسمان‌ها تا بالاخره این تغییر معلوم بشود: (بقره: ۱۴۴) **قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا...<sup>۵</sup> تا آن چرخش واضح بشود.****

[۲۰-] یک موقعی وقتش می‌رسد که هشتک بزند و شیعه را بالا بیاورند و بگویند: شیعه هست، ولایت هست که این هم پر از جریان ولایت است.<sup>۶</sup> یک زمانی هم پیامبر دنبال این است که کی معلوم می‌شود آن قوم برگزیده‌ای که قرار است در سراسر عالم احقاق حق بکند؟ (جنس مسئله هم جنس حاکمیتی است.) با اینکه پیغمبر به مدینه آمده بودند ولی چشم می‌گرداندند [تا وقت اعلان قوم برگزیده] معلوم بشود؛ منتظرند تا اینکه معلوم می‌شود. برای این که این فضا، رقیبی به نام جریان یهود داشت. برای این که امر [تغییر قوم برگزیده] کاملاً واضح بشود، جریان تغییر قبله اتفاق می‌افتد و این امر واضح می‌شود؛ یعنی درگیری خیلی واضح‌تر می‌شود که سناریوی قوم برگزیده به سمت پیغمبر برگشته و ما همان قوم پیغمبریم که امیدواریم این سناریوی آخر باشد، و قرار است که برویم قبله را بگیریم. واقعاً گرفتن قبله جزء اولویت‌های خود امام زمان عج هم هست. و آن‌جا هم نشان می‌دهند که جهت این است.

## ۲-۱-۲ - کعبه؛ میعادگاه مردم

[۲۱+] در سوره مائده هم عرض کردیم این که می‌گویند: «تمام الحج لقاء الامام» یعنی در اتمام حج بیایید ما را ببینید و پیمان ببندید و ما حتماً خودمان می‌آییم. اصلاً این جریان [یعنی کعبه] را به عنوان سمپوزیوم<sup>۷</sup> و به تعبیر قرآن (بقره: ۱۲۵) **...مَثَابَةً لِّلنَّاسِ... میعادگاه معرفی می‌کند، آن هم نه میعادگاه عاشقان که میعادگاه مردم، میعادگاه عالم، یعنی در آخر باید معلوم بشود پایگاه کجاست. از آن طرف هم شبکه اجتماعی مسجد را طرح می‌کند که درباره‌اش مفصل عرض کرده‌ام. می‌فرماید: (مائده: ۹۷) **جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِّلنَّاسِ... ما اصلاً این بیت الله الحرام را گذاشتیم مرکز قیام و همه بند و ببیل حج هم، مال همین مرکز قیام است؛ همانطور که در ادامه می‌فرماید: **...وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ... یعنی تا زنگ قلاده آن حیوان، تا خود آن حیوان، تا ماه حرام، همه بند و ببیل حج را به عنوان ماجرای حج گذاشتیم که یعنی قیام للناس. حج یک عبادت فردی نیست. چرا حج و نماز را عبادت فردی می‌کنید؟! تا بعدش در قافیه‌ی آن بمانید؟! حج به عنوان قیام مردمی است.******

---

چه فیلمی کرده بود! و این حرف که «ای نجف! ای تهران! به داد اسلام برسید» بین خودش کجا رفت؟!<sup>۸</sup> خاصان و بزرگان از اجله‌ی اصحاب امام رضا علیه‌السلام رسماً کم آورده بودند که آقا ما فکر نمی‌کردیم شما چنین کاری بکنید! ولی حالا که صحنه را از دور می‌بینیم، می‌فهمیم که امام رضا علیه‌السلام در این فرایند عجب کاری کرده! و عجب سناریویی را خدا برای ایران به عنوان جریان آلترناتیو اسلام دارد پیش‌بینی می‌کند!

۵. ما گردانیدن رویت را در [جهت] آسمان [چون کسی که به انتظار مطلبی باشد] می‌بینیم پس یقیناً تو را به سوی قبله‌ای که آن را بپسندی برمی‌گردانیم.

۶. [۱۸+] مثل کاری که امام هادی علیه‌السلام درباره ولایت کردند. می‌دانید که امام هادی علیه‌السلام امامی بودند که هشتک زدند روی ولایت، توثیق کردند ولایت را و ترند کردند ولایت را؛ یعنی امامی بودند که هم جامعه کبیره را از ایشان دارید، هم زیارت غدیریه که در مفاتیح ۲۰ صفحه است. کولاک است. چون امام علیه‌السلام را معتصم با ۳۰۰ سرباز داشت سامرا می‌برد، در عید غدیر به نجف می‌رسند. (آن موقع نجف شهر قابل توجهی نبود) حضرت می‌گویند به من اجازه بدهید بروم زیارت بکنم و یکی از مستندترین زیارت‌های ما را - زیارت غدیریه را - آن‌جا می‌گویند؛ زیارتی ۲۰ صفحه‌ای پر از آیات قرآن. توصیه می‌کنم هرکس می‌خواهد روی بحث قرآن در روایات کار بکند، این ۲۰ صفحه را ببیند.

۷. گردهمایی



(بقره: ۱۲۰) وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَ لَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ<sup>۸</sup>

### ۲-۲-۱- حاکمیتی بودن سطح بحث (لَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ)

[۲۴-] حالا با این شیئی که گرفتیم، آمدیم، رسیدیم به آیه ۱۲۰ بقره که می‌فرماید: (بقره: ۱۲۰) وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ... اشتباه نفرمایید. معنی آیه این نیست که شما یهودی، مسیحی را کنار بگذار! اصلاً بحث در این سطح نیست. سطح بحث، سطح بحث قبله است؛ سطح بحث جهت‌گیری‌هاست؛ سطح بحث امامت‌هاست؛ سطح بحث حاکمیت‌هاست. این جاست که می‌گوید: آی مردم! آی پیغمبر (بقره: ۱۲۰) وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ... اگر دنبال جلب رضایت این‌ها هستی، اصلاً راضی نمی‌شوند. این‌ها تا ته‌اش می‌روند. این را بفهمید!

[۲۵-] یکسری مسلمان راه افتادند گفتند: آقا نمی‌شد این قبله عوض نشود؟! بیایید بر سر این قبله با این‌ها یک مذاکره‌ای بکنیم. قبله که فقط یک جهت است! این را بدهیم، عوضش خودمان را در جامعه‌ی جهانی نگه می‌داریم (این چیزها را از خودم نمی‌گویم. این‌ها شأن نزول این آیه است و من فقط دارم با ذهنیت امروزی ترجمه‌اش می‌کنم)؛ یعنی چه قبله بدهیم؟ یعنی یک آرمان بدهیم، به جایش در جامعه جهانی یک نفسی می‌کشیم. بالاخره این‌همه غیظ و غضبی که نسبت به ما کردند کم می‌شود. این حرف برای یک عده آدم ترسو، کاملاً منطقی است.

[۲۶-] من نمی‌خواهم عرض بکنم که دأب قرآن این است که مذاکره نکنیم! اخیراً یک حرف طلابی حضرت آقا در دیدار دولت زدند که اصلاً توثیقی است، گفتند: ما می‌گوییم به اروپا امید نداشته باشید، ما نمی‌گوییم مذاکره نکنید! اساساً مذاکره کردن یک کار است، امید بستن یک کار دیگر است.

[۲۷-] ما عقب‌نشینی مطلقاً نداریم، ولی جلب و جذب بکنید. جذب که اشکالی ندارد. در سوره‌ی مبارکه‌ی توبه داشتیم (توبه: ۶۰) إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمَوْلَافَةِ قُلُوبُهُمْ... آیه می‌گوید: برو مالیات بگیر از مسلمان بده به مسیحی که قلبش تألیف<sup>۹</sup> بشود. دمتان گرم بنشینید سر پروژه جذب، ولی گاهی، بحث امید است و عقب‌نشینی؛ این که آن نیست! مذاکره مذاکره است.

[۲۸-] بعضی از این طرف بوم می‌افتند و می‌گویند: برای چه این نهادهای بین‌المللی هست؟! بابا عقل داشته باش! مگر الان می‌تواند هواپیما در این دنیا بی‌د و بعد بگویی من نمی‌خواهم قوانین هوایی را رعایت کنم! می‌خواهم به تشخیص خلبان هر طرف که بخواهد برود! بالاخره این‌ها قوانینی دارد. برو بر سر این‌ها مذاکره کن، دعوا کن! مطلب را بگیر، حق را بگیر، ولی این که شما در مذاکره مبارزه می‌کنی، یا این که هوس امید به طرف مقابل بستن و عقب‌نشینی می‌کنی، این‌ها دو تاست.

۸. یهودان و ترسایان از تو خشنود نمی‌شوند، تا به آیینشان گردن نهی. بگو: هدایت، هدایتی است که از جانب خدا باشد. اگر از آن پس که خدا تو را آگاه کرده است از خواسته آنها پیروی کنی، هیچ یاور و مددکاری از جانب او نخواهی داشت.

۹. ایجاد الفت کردن

[۲۹-] قرآن می‌گوید: آیا شما فکر می‌کنی این‌ها از چیزی راضی می‌شوند؟ این‌ها مال دعوای با مسیحی و یهودی نیست، سطح دعوا، حاکمیتی است. من دیدیم برخی این آیات را می‌خوانند و فکر می‌کنند اصلاً شما رفیق مسیحی نباید داشته باشی؛ چون او می‌خواهد زیرآب شما را بزند و روش شما را عوض کند، در حالی که بحث این‌ها نیست، بحث حاکمیت یهود و نصارا و اسلام است؛ مثل این‌که آیا مگر مرگ بر آمریکا یعنی مرگ بر آمریکایی‌ها؟ نه! کسی این را نمی‌گوید، بلکه یعنی مرگ بر این سیاست.

پس دقت کنید سطح بحث قاطی نشود وگرنه آیه خراب می‌شود.

## ۲-۲-۲ - در اسلام، عقب‌نشینی ممنوع! (حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ)

[۲۹+] (بقره: ۱۲۰) وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ... يَهُودُ وَ نَصَارَىٰ هِرْكَزْ از تو راضی نمی‌شوند... حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ... تا آنکه از آیینشان پیروی کنی؛ باید بیایی توی دم و دستگاه و روش‌شان و سیستم‌شان و توی سبک زندگی‌شان. باید بروی در هاضمه‌ی آن‌ها تا هضمت کنند. به این هم نیست که اگر قبله را به آن طرف دادی، چیزی می‌گیری! این تا ته با تو می‌آید.

[۳۰+] در سوره‌ی انفال آیه ۱۶ عرض کردیم که هیچ موقع ما در اسلام عقب‌نشینی و مدهانه<sup>۱۰</sup> نداشتیم و نداریم. شما می‌گویید این حرف با محاسبات جور در نمی‌آید و من هم قبول دارم. آخر این آیه هم همین را می‌گوید. همان اول بعثت که خواستند با پیغمبر ماست مالی کنند، خدا به پیغمبر گفت: (قلم: ۹) وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ؛ می‌خواهند ماست مالی کنند ولی تو قضیه را با ماست مالی جلو نبر! اصلاً درگیر شدن با قطب، آدم را قطب می‌کند.<sup>۱۱</sup> [۳۲+] مسئله این است که ما چیزی به نام عقب‌نشینی نداریم.

[۳۹+] در آیه دارد (انفال: ۱۵) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفُوا... اگر دیدید کفار زحف شدند و جمع شدند؛ یعنی دیدی تازه کفار شدند احزاب! اگر شد جامعه جهانی، (که این جور جاهاست آدم پایش سست می‌شود) ...فَلَا تُؤَلُّوهُمْ الْأُدْبَارَ؛ نباید پشت کرد. در نرو! اگر بایستی نتیجه می‌گیری، نه این‌که اگر بخواهی خودت را لوس بکنی و برای آن‌ها ابراز احساسات بکنی و امید ببندی.

[۴۰+] اما (انفال: ۱۶) وَمَنْ يُؤَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبْرَهُ ... فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ... کسی که در چنین روزهایی که کار بیخ پیدا می‌کند و کفار دارند زحف می‌شوند و تحریم می‌کنند، پشت بکند، این دنیایش را هم تخریب می‌کند، آن دنیایش را هم که خراب کرده. این همان ماجرای عجل است که (اعراف: ۱۵۲) إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا... این طرف را هم خراب کرده، آن طرف را هم خراب کرده است.

۱۰. سستی

۱۱. [۳۱-] یکی از چیزهایی که خودمان و کشورمان باید به آن ببالیم، [همین است]. من در کشورهای آن چنانی که می‌روم آن‌ها خودشان اقرار می‌کنند که این تحریم‌هایی که روی شما گذاشتند اگر روی هلند می‌گذاشتند، چهار روز نمی‌توانستند تحمل کنند! و کلاً کشورشان خوابیده بود. همین روسیه (سه سال پیش) وقتی بر سر جزایر کریمه تحریم شد، یک هیئت اقتصادی اجتماعی به ایران فرستاد که جریان چیست؟ تجارب شما چه بوده که ۴۰ سال دارید با این‌ها می‌جنگید و زمین نمی‌نشینید! این خیلی مهم است. تازه این در صورتی است که خیلی وقت‌ها زمین نشستیم وگرنه اگر آن جوری که وعده‌های الهی است ایستاده بودیم، اصلاً ماجرا تمام شده بود! و ما ابر قدرت عالم بودیم.

## ۲-۲-۱- عقب‌نشینی ظاهری در اسلام، عین مبارزه

[۴۰+] حالا دو مدل عقب‌نشینی قابل قبول است و این هم به معنی در رفتن و پشت کردن نیست، عین مبارزه است. مذاکره در عین مبارزه معنی‌اش این است: [۴۱+] وسط آیه ۱۶ انفال دارد: (انفال: ۱۶) ... **إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ...** مگر این که دارد جابجا می‌کند که صحنه جنگ را راحت‌تر بتواند بزند که باز هم **تَحَرَّفَ** لقتال است؛ یعنی باز هم قتال است ... **أَوْ مُتَحَيِّرًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ...** یا این که دارد می‌رود که بپیوندد به گروهی که باز بیاید و بزند. آیا این در رفتن و پشت کردن است؟! نه! این قرار است بزند و نمی‌تواند هم نزند. مگر این که وقتی دارد پشت می‌کند، دارد پشت می‌کند که برود در آن جبهه و بزند؛ یعنی باز هم می‌خواهد قتال بکند، یا این که به عده‌ای بپیوندد و بخواهد دوباره بزند. ... **أَوْ مُتَحَيِّرًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ...** یعنی بتواند با یک فتنه‌ی دیگری تحیز بکند و بجنگد. فقط در این صورت اجازه هست که این هم باطنش این است که کلاً یعنی مبارزه، کلاً یعنی (انفال: ۱۵) ... **فَلَا تُؤَلُّوهُمُ الْأَدْبَارَ؛**

## ۲-۲-۳- هدایت خدا نسخه بدل ندارد (قُلْ إِنْ هَدَى اللَّهُ هُوَ الْهَادِي)

[۳۲+] در انتهای آیه ۱۲۰ بقره پیغمبر را تهدید می‌کند. این جا از معدود جاهایی است که پیغمبر تهدید می‌شود: (بقره: ۱۲۰) ... **قُلْ إِنْ هَدَى اللَّهُ هُوَ الْهَادِي...** هدایت نسخه بدل ندارد. [-۳۴] «هو» به عنوان ضمیر فصل وقتی در بین می‌آید نشانه حصر است؛ یعنی این که من می‌گویم این جوری انجام بده، فکر نکنی جوهرهای دیگر هم می‌شود این عملیات را انجام داد، فقط همین است و برایش نسخه بدل نگذاشته‌ام. [-۳۳] هدایت همینی است که من می‌گویم؛ یعنی در همین مسیری که من می‌گویم مبارزه کن، فکر نکن که کارهای دیگری هم می‌شود کرد که مثلاً بیاییم این جوری مذاکره کنیم! سعی نکنید هنرنمایی‌های این مدلی بکنید و گرنه به خودت وامی‌گذارم. دیگر تو می‌دانی و آن هنرنمایی‌های خودت در مذاکرات. این که فلان مسئول کلی دوره دیده و حقوق بین الملل بلد است و در فلان جا، یک مذاکره‌ای می‌کند، آخرش همانی می‌شود که امیرالمؤمنین در نهج البلاغه گفته: اگر این جوری بکنید «**ثُمَّ لَا جُبْرَائِيلُ وَلَا مِيكَائِيلُ وَلَا مُهَاجِرُونَ وَلَا أَنْصَارٌ يَنْصُرُونَكُمْ إِلَّا الْمُقَارَعَةُ بِالسَّيْفِ**»؛ دیگر هیچ کس کمک شما نیست و شما می‌مانید و چکاچک شمشیرها. بزن مذاکره کن ببین چه در می‌آید؟! دیگر روی هیکل ما حساب نکن!

## ۲-۲-۴- هوای نفس؛ عمل مخالف دستور الهی (وَلَيْنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ)

[۳۴+] ... **وَلَيْنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ...**؛ اگر رفتی سراغ هوای نفس یک عده، (از سوی خدا هیچ سرپرست و یآوری برای تو نخواهد بود). بعضی فکر می‌کنند **هوای نفس** یعنی آدم شهوترانی که فیلم پورن<sup>۱۱</sup> نگاه می‌کند! در صورتیکه هوای نفس یعنی به آن چیزی که خدا گفته، می‌گوید نه! یا شک دارد، یا می‌گوید خودم در مطالعاتم یک چیزهایی درآوردم؛ این می‌شود هوای نفس؛ یعنی من به جای این که آن روش را بروم روش‌هایی را می‌روم که با عقل و فکر خودم سازگار بوده. کافی است که جربزه‌ام هم کم باشد که چیزهای دیگر را هم بردارم و حتی ترس خودم را هم تئوریزه می‌کنم و اسمش را هم می‌گذارم عقل!

[۳۵+] کلام حضرت امیر در این باره خیلی عجیب است: «كَمْ مِنْ عَقْلٍ اسِيرٍ تَحْتَهُ هَوَىٰ امِيرٍ» (اصلاً مو به تن آدم راست می‌شود! برای همین این‌ها را تالی تلو کلام الهی نامیده‌اند؛) چقدر عقلی که تحت هوای نفسی است که آن هوای نفس دارد به او می‌گوید که چه کار بکن و چه کار نکن! چه جوری فکر کن! چه جوری بگو! چه جوری مذاکره کن! یعنی عقل هست منتها عقل، امیر نیست! تدبیر است، ولی تدبیر، امیر نیست، تدبیر، اسیر است. چه کسی امیر است؟ هوای نفس! هوای نفس دارد می‌گوید، بعد دارد تئوریزه می‌شود، مقاله‌ی ISI می‌شود. البته به این معنا نیست که فناوری را کنار بگذاریم که (انفال: ۶۰). وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ...<sup>۱۳</sup> اما مهم این است که عقل اسیر نشود و گرنه (بج البلاغه، حکمت ۱۲۰) أَكْثَرُ مَصَارِعِ الْعُقُولِ تَحْتَهُ بُرُوقِ الْمَطَامِعِ؛<sup>۱۴</sup> وقتی طمع بکنی آن عقل منور در کشتی می‌بازد!

[۳۶+] ما باید به این معارف برگردیم. اصلاً انقلاب ما با این معارف رشد کرده و گرنه اگر قرار باشد این معارف را از انقلاب کنار بگذارید، حرف آن بابا درست است که ما یک لقمه چپ آمریکا هستیم. آیه می‌گوید: ای پیغمبر نکند سراغ هوای نفس ملت بروی! نکند این هواهای نفسانی را قبول بکنی!<sup>۱۵</sup>

۲-۵- عمل براساس هوای نفس، خارج شدن از دستگاه ولایت و نصرت الهی (مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ

### وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ)

[۳۸+] ...وَلَيْنٍ اتَّبَعَتْ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ... اگر بعد از اینکه علم آمد سراغت، فهمیدی راه این است، اگر کوچکترین کاری در هوای نفس بکنی ... مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ؛ دیگر من نیستم؛ هیچ ولی و نصیری از طرف خدا نیست. دیگر شما آزادی که بروی فکرها را بکنی. در سوره بقره هم باز در بحث این که گفتند: ما «مَنْ وَالَسُّوْی» نمی‌خواهیم و آیه می‌گوید: اگر سیر و پیاز می‌خواهید، پس (بقره: ۶۱)... إِهْبِطُوا مِصْرًا... حالا که عقلت به چشمت هست برو در زمین! پس این معنی ... مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ می‌شود این: که اگر تبعیت نکنی، خدا نه ولی توست و نه نصیر تو! چون گویا او دارد با من می‌جنگد.

۲-۳- آیه‌ی ۱۲۱ بقره

(بقره: ۱۲۱): الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ؛

[۴۳-] حالا قانون اساسی این جور مبارزه‌ها چیست؟ چه جوری این حرف‌ها را باور کنیم؟ چه جوری کل عالم این حرف‌ها را باور کند؟ آیه می‌گوید: (بقره: ۱۲۱): الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ... کسانی که به آن‌ها کتاب داده شده، (نه اینکه کسانی که اهل مطالعه هستند بلکه) کسانی که اهل وحی هستند چنانچه ... يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ... این قرآن را به حق تلاوتش بخوانند ... أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ... به پیام‌هایش ایمان می‌آورند.

۱۳. و در برابر آنان آنچه در قدرت و توان دارید از نیرو [و نفرات و ساز و برگ جنگی] و اسبان ورزیده [برای جنگ] آماده کنید.

۱۴. یشتترین قربانگاه عقل‌ها در پرتو طمع هاست.

۱۵. [۳۷+] یک موقع حضرت آقا تعبیری به این معنا در مثلاً موضوع برجام می‌گویند که من فریب خوردم! من گول خوردم! معنی‌اش این است که خیلی وقت‌ها شما هزینه‌ی تبیین باید بدهی؛ چون یک عده نمی‌فهمند و باید هزینه بدهی تا این‌ها بفهمند که نمی‌شود به این‌ها امید بست و نمی‌شود از این طریق کار را جلو برد. البته نه این که مذاکره نکنیم، بلکه امید نبندید! این شیوه را زمین نگذارید!

## ۲-۳-۱- حق تلاوت قرآن؛ یعنی گرفتن اصول زندگی از آن

[۴۴-] ما این قرآن را دست کم گرفته‌ایم! این کلمات نور است، کلمات ائمه‌ی ما نور است؛ (نور: ۳۵) **اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...** معنی‌اش همین است. بعد می‌پرسند این نور کجاست؟ می‌گویند **...فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تَرْفَعَ...** در این خانه‌هاست؛ در خانه‌هایی که (نور: ۳۷) **رِجَالًا لَا تَلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ...** این‌ها نورند. این‌ها که تحصیلکرده‌های ما نیستند. ائمه تحصیلکرده نیستند. «الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولايه اميرالمؤمنين و الائمه عليهم السلام» این‌ها مال یک جای دیگرند. این‌ها نور آسمان و زمین‌اند که در خانه‌هایی هستند که در آن خانه‌ها افرادی رفع داده شده‌اند. (نور: ۳۷) **رِجَالًا لَا تَلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ...** این‌ها شخصیت‌هایی هستند که مُمَحِّض<sup>۱۷</sup> اند در ذکر الله. این‌ها، همه‌ی عالم را برای خدا می‌خواهند.

[۴۶] خدایی این کتاب پیام دارد.<sup>۱۸</sup> این کتاب در کل دنیا (سراء: ۹۰) **... يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ...**<sup>۱۹</sup> است. کل دنیا در علوم انسانی‌شان معطل‌اند. این قرآن «**يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ**» است نه آن‌ها! بعد ما این را می‌گذاریم کنار، نه تلاوت می‌کنیم و نه حق تلاوت را ادا می‌کنیم. بعد هم فکر می‌کنیم که حفظ می‌کنیم کار خوبی می‌کنیم! البته کار بدی هم نمی‌کنید. ما روایتی ذیل این آیه حق تلاوت داریم که امام صادق<sup>علیه‌السلام</sup> می‌گوید: «کسی که حفظ می‌کند حق تلاوت نیست.»<sup>۲۰</sup> حق تلاوت این است که شما مریضات را بیاوری این‌جا؛ مریضی شخصی، مریضی خانوادگی، مریضی اجتماعی، مریضی بین‌المللی، همه را بیاوری در بستر قرآن و بخوای حلش کنی و مطمئن باشی که قرآن جوابش را دارد. این همان است که امیرالمؤمنین می‌گوید: جوری قرآن بخوانید که «یستفیئون به دواء دائهم»؛ دواي دردهایتان را از قرآن در بیاورید. ببینید خانواده چه جوری باید باشد؟ عام‌ترین گزاره‌های نظام خانوادگی، اقتصادی، قضایی، روابط بین‌الملل را از توی این در بیاورید. وظیفه قرآن همین بیشتر نیست. بعضی می‌خواهند بگویند فلان امر خرد هم در قرآن هست یا نه؟! البته در بواطن قرآن ممکن است باشد اما این کار قرآن نیست. همین ظاهر قرآن باید اصول و مبانی را بدهد که می‌دهد. بقیه‌اش هم اصلاً وظیفه قرآن نیست. خدا عقل داده، تو این اصول را بگیر و با عقل، آن پایه‌های نظام را از پایین بچین! قرار نیست همه چیز را که قرآن بگوید. قرآن، انسان‌شناسی می‌دهد، عالم‌شناسی می‌دهد، آدم‌شناسی می‌دهد، قیامت‌شناسی می‌دهد. این طرف را می‌گوید. آن طرف را می‌گوید. روابط بین آدم‌ها را می‌گوید. کمک‌ها و وعده‌های الهی را می‌گوید. نظام عالم را حلاجی می‌کند و جلویت می‌ریزد. نسخه می‌دهد و جلو می‌رود، ولی یک عده اهواء خودشان را جلو می‌آورند و می‌خواهند حرف خودشان را سر سفره‌ی قرآن میل کنند! این که شد حرف خودت! قرآن می‌گوید کسانی که حق

۱۶ . مردانی که تجارت و داد و ستد آنان را از یاد خدا باز نمی‌دارد.

۱۷ . خالص شده، محض شده

۱۸ . [۴۵+] در این سفرها پیش می‌آید که با این پروفوسوها بحثان می‌شود، سؤال می‌کنند. آدم در این مباحثه‌ها تأثیر کلام نورانی ائمه را می‌بیند. در این سفر اخیر بحثی با یکی از پروفوسورها شد. خیلی‌ها با او بحث می‌کردند و او قانع نمی‌شد، من به مترجم گفتم: دقیق هرچه را من می‌گویم به آلمانی ترجمه کن. و او هم دقیق ترجمه کرد و بعضی نکات را با من مباحثه می‌کرد که ببیند آیا درست دارد ترجمه می‌کند یا نه؟! او ترجمه می‌کرد و من می‌دیدم این پروفوسور هی دارد و می‌رود. اصلاً فکر می‌کرد این حرف‌ها دیگر چیست؟! این منطق دیگر چیست؟ ما جز آیه و روایت چیزی نگفتیم.

۱۹ . بی‌تردید این قرآن به استوارترین آیین هدایت می‌کند.

۲۰ . ارشاد ديلمی ص ۱۰۱ باب ۱۹

تلاوت این را بجا بیاورند که خیلی وقت‌ها قرآن دنبال این حق‌هاست. می‌گوید کوشش خودتان را بکنید تا (آل‌عمران: ۱۰۲)...  
**حَقَّ تَقَاتِهِ... حَقَّ تَقْوَا رَا بَجَا بِيَاوَرِيْد.**

[۴۹-] گاهی این نیم‌بندهای حق‌ها جواب نمی‌دهد، بلکه التقاط درست می‌کند. اگر شما بگویی من به پیام قرآن ایمان می‌آورم و حتی‌المقدور اهواء و داشته‌های خودم را کنار می‌گذارم، می‌بینید که خدا کمک می‌کند برای این که انسان متوجه بشود که پیام‌های کلی قرآن چیست.

کسی که (بقره: ۱۲۱)... **آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ...** او ایمان می‌آورد و می‌فهمد که قرآن (اسراء: ۹)... **يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ...** است. (بقره: ۱۲۱)... **وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ؛** اگر کسی کفران بکند او خاسر است.

### ۳-۱-۱- ایجاد حاکمیت اسلامی با منبع اصلی استنباط شدن قرآن

[۵۰+] پس این آیات به ما گفت که جذب آری، عقب‌نشینی هرگز! جهت‌گیری همان جهت‌گیری الهی برای قوم برگزیده است؛ مثل همان جریان امامت، حاکمیت و ولایت که در آیات بعدی است. تعجب نکنید که چرا یکپهلو شد (بقره: ۱۲۴) **وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ...**، این آیه‌ی معروف امامت چرا این وسط مطرح شد؟! این می‌شود جریان امامت، حاکمیت و ولایت که امام به عهده بگیرد و نسخه‌ی آن هم همین قرآن است که باید براساس این قرآن حرکت کرد. مادامی که نسخه‌ی حرکت براساس این قرآن در نیاید، نظام‌سازی‌ها براساس این قرآن در نیاید و ما فقط درگیر یکسری حلال و حرام باشیم، کلاً چیزی به نام حاکمیت اسلام در نمی‌آید. این تذکری است به دانشگاه‌ها و حوزه‌ها، علی‌الخصوص حوزه‌ها که ادعا دارند این قرآن <sup>۲۱</sup> source اصلی آن‌هاست، که نیست! و همه هم می‌دانند و تعارف هم نداریم. تا این قرآن source و منبع اصلی استنباط‌های ما نباشد، ما کاری از پیش نمی‌بریم. انقلاب ما براساس همین معارف حرکت کرده است.

### ۳- به مناسبت اجتماع هیئات دانشجویی

[۵۲+] کسانی که به عنوان هیئت‌های دانشجویی بودند، دارند با هم اجتماعی می‌کنند و تشکیلی از جنس تشکل دانشجویی دارند ایجاد می‌کنند. این جا من یک تذکر استراتژیک بدهم. این بحث را قبلاً هم ممکن است از من شنیده باشید و جزء دغدغه‌های جدی این حقیر است و فکر می‌کنم راه برون رفت از مشکلات هم همین است.

### ۳-۱- شیوه‌ی مردم نهاد، رمز ماندگاری شیعه در طول تاریخ

[۵۳+] همواره شیعه در همین بحث ماندگاری ولایت و حاکمیت، خودش را به صورت یک اپوزیسیون و با شیوه‌های مردم نهاد، نگه داشته است با جریان مرجعیت در داخل خودش و با جریان خمس (که نظام مالی شیعه بوده) و ارتباطی که با پایگاه مساجد و هیئات (هیئات همیشه با مطرح کردن جریان امام حسین <sup>علیه‌السلام</sup> به عنوان قیام و وصل کردن آن به جریان ظهور و ایجاد امید) داشته است. این چیزی بوده که هزار سال شیعه خودش را براساس آن به صورت NGO نگه داشته است. نظامش هم در داخل خودش تعریف شده بوده. نظام‌هایی را هم دچار مشکل کرده؛ چون وجاهت دین هم داشته به صورت اپوزیسیون می‌چسبیده و نظام‌ها را ساقط می‌کرده، یا برایشان مشکل درست می‌کرده.

### ۲-۳- نقد به حاکمیتی شدن مراکز مردم نهاد شیعی بعد از انقلاب

[۵۵-] یک آخوند علیه ما علیه یک حرفی زده که البته بهره‌ای از واقعیت دارد، گفته یک فرصتی به این آخوندها بدهیم که ۴۰-۵۰ سالی حکومت کنند تا برای الی الابد پرونده‌شان بسته شود! چون شیوه این‌ها کلاً یک جور است که از روی این [حالت نظام مردم نهاد و NGO] نمی‌توانند روی شیوه‌ی دیگری [یعنی نظام حاکمیتی] سوئیچ کنند! البته امیدوارم آگوی (شبکه فاضلاب) تهران از روی قبر پدرش رد شود، ولی از باب این‌که سگ هم با همه نجسی، دندانش سفید است، این حرف یک محتوایی دارد و آن این است که ما یک سوئیچ کردیم از نظام NGO بی و مردم نهاد، به یک نظام حاکمیتی. در این اقدام که در واقع باید حاکمیت‌ها را بگیریم و جریان ولایت یعنی همین، نمی‌گوییم کسی الی الابد باید بایستد و NGO بماند.<sup>۲۲</sup> ولی در این سوئیچ یک اشتباهی هم یک جاهایی شد! و اشتباه این بود که بسیاری از جاهای مردم نهاد خرد شد و تبدیل شد به نظام‌های حاکمیتی؛ یعنی آن نهادی که برای خودش داشت مردمی عمل می‌کرد و هویت مردمی‌اش خیلی قوی بود، برای خودش صندوق قرض‌الحسنه داشت، برای خودش مسجد و آموزش‌هایی داشت، کمک به فقرا و ایتم می‌کرد، یکپو تبدیل شد به بهزیستی و کمیته امداد و نهادهای حاکمیتی. حاکمیت به جای این‌که وظیفه‌های تَوَلّی‌گری به خرج بدهد و عنصر هماهنگ‌کننده باشد، عنصر فعال در سیستم شد به دلیل اعتقادش ولی به اشتباه؛ یعنی به جای این‌که شبکه‌های مردم نهاد خودشان به فقرا برسند، نهادهای حاکمیتی خودشان بابت این کار وارد عمل می‌شوند و پول می‌گذارند، و آن نهادهای مردمی می‌روند در نظام‌های اداری و بعد از این طرف توقع ایجاد می‌شود برای شبکه‌های مردم نهاد که حالا که حاکمیت خودش هست، خودش این کارها را بکند! چرا نمی‌کند!

### ۳-۳- مردمی سازی، از اوجب واجبات امروز انقلاب

[۵۸+] این به شدت انقلاب را دچار چالش می‌کند و خواهد کرد و کرده. مردمی‌سازی یکی از اوجب واجبات امروز انقلاب ماست؛ یعنی مردم خودشان حواسشان را بدهند و دوباره NGO های مسجدمحور و هیئت‌محور تشکیل بشود: NGO های حرکت‌های جهادی، NGO های کودکان کار، NGO های شلترهای (خوابگاه‌های شبانه) بانوان، NGO ی رسیدگی به زنان و بالاخره NGO هایی به تناسب تمام آسیب‌هایی که ما داریم.

[۵۹+] در این مقطع حساس کنونی که هیئت‌ها دارند نقش‌های خودشان را نشان می‌دهند، اگر این‌ها هم‌افزایی کنند و کنار هم جمع شوند، در امور اجتماعی، در امور انقلابی و معارف انقلابی و مطالبه‌گری و جهادی و آسیب‌ها و ... جمع بشوند (و نه در جبهه‌گیری‌های سیاسی) و یک ید الله مع الجماعه‌ای اتفاق بیفتد که act ها و فعالیت‌های جدی انجام بدهند و حتی مطالبه‌های بزرگ بکنند. یک موقع تو داد می‌زنی و یک موقع من داد می‌زنم، ولی یک موقع ۱۳ تا هیئت دانشجویی مطالبه می‌کنند! و مطالبه نخبگانی هم می‌کنند. این‌ها عملیات اجتماعی انجام می‌دهند و این‌جا یدالله مع الجماعه. این‌ها شماره‌های واحدی را پیش می‌برند.

۲۲. خود امیرالمؤمنین می‌گوید: (حکمت ۳۲) لَنَا حَقٌّ، فَإِنْ أُعْطِينَاهُ، وَ إِلَّا رَكِبْنَا أُعْجَازَ الْإِبِلِ وَ إِنُّ طَالَ السَّرَى؛ ما یک حقی داریم اگر این شتر خلافت را دادید، دادید، ولی اگر ندادید دو ترک سوار می‌شویم؛ یعنی این جور نیست که ما به شما شتر خلافت را بدهیم و خودت سوار بشوی و بروی و هرچقدر این شب گردی طول بکشد، بالاخره یک موقعی شما را پایین می‌اندازیم.

[۶۱-] جنس انقلاب ما مردمی و هیئت محور بود. با همین انقلاب کردیم؛ با همین مسجد محوری و هیئت محوری و حبّ اهل بیت و معارف قرآن و اهل بیت هم می‌توانیم انقلاب را حفظ کنیم. آن وقت وقتی شما زمینه را باز می‌کنی و بغل می‌گشایی نباید بگویی "این نه! این در حزب ما نیست!" بحث این‌ها نیست. آن پزشک و آن دندان‌پزشک ممکن است در قالب این هیئت‌ها بیاید و خدمات پزشکی و درمانی بدهد و کار جهادی بکند.

[۶۱+] البته یک اشکالاتی وجود دارد و این را همه ما می‌دانیم، ولی بالاخره ما می‌خواهیم چکار بکنیم با انقلابمان؟ آیا می‌خواهیم انقلاب را زمین بگذاریم، یا آن را جلو ببریم؟! حتی ممکن است انقلاب در زمان ما یک افولی بکند، ولی این که چند تا جوان انقلابی، جوانی که انقلاب و کشورش برایش مهم است - نه جوان ریشو - دارند بلند می‌شوند، این‌ها همان بارقه‌های امید است. اگر دوباره هیئت‌ها دارند به هم می‌چسبند، این همان بارقه‌های امید است که مجدد بتواند نفس تازه در انقلاب بدمد. این‌ها می‌توانند پس فردا در امور مختلف، مطالبه‌گری‌های مختلف بکنند؛ به لحاظ علمی، به لحاظ اقتصادی، به لحاظ کارهایی که می‌تواند بار بر هیئت‌ها بشود و وظیفه هیئت‌هاست که این کارها را انجام بدهند. این را دست کم نگیرید، جدی بگیرید!

[۶۳-] به یکی از مسئولین می‌گفتم: همین سه چهار روزی که در مسافرت جهادی در روستایی هستی می‌بینی شدی شبیه کسانی که بغل سیگاری‌ها می‌نشینند و خودشان سیگار نکشیدند اما بوی سیگار گرفته‌اند، همه فکر می‌کنند ما باید یک کاری بکنیم و تقصیر را گردن ما می‌اندازند. البته شاید هم واقعاً تقصیر ماست؛ چون از بیانات تکان‌دهنده همین امیرالمؤمنین است که إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْاَغْنِيَاءِ اَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ... خدا در مال اغنیاء قوت و غذای فقرا را گذاشته... فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ اِلَّا بِمَا مَتَّعَ بِهِ غَنِيٌّ، وَاللَّهُ تَعَالَى سَأَلَهُمْ عَنْ ذَلِكَ؛ اگر فقیر فقیر است به خاطر این است که غنی غنی است و فردای قیامت باید بایستند جواب بدهند که چرا در فلان روستا به نان شب محتاجند؟! وقتی می‌گوییم به نان شب محتاج‌اند فکر می‌کنیم استعاره است! بیا بید ببرمتان ببینید که جاهایی هستند که نان شب ندارند بخورند! برای شب، پیاز می‌خورد. می‌گفت: "در این روستا شما دومین مجموعه‌ای هستید که آمدید!" پرسیدم: "اولین گروه چه کسانی بودند؟" گفتند: "جهاد سازندگی در اول انقلاب!" من نمی‌گویم در روستاها کار نشده، ولی شکاف زیاد است. هم باید قانون‌گذاری بکنیم و هم باید مطالبه‌گری کنیم و هم act و فعالیت انجام بدهیم. اگر پایه‌اش هم ظرفیت هیئت‌ها و شعارهای انقلاب باشد، ما شاهد این هستیم که وقتی چهلم انقلاب تمام بشود، یک جهش خاص در انقلاب به این وسیله داشته باشیم و اگر این‌ها را نداشته باشیم، جهش هم نخواهیم داشت. هیئت‌ها باید خودشان دور هم جمع بشوند. و آلا کدام نهاد حاکمیتی است که بشود به او گفت: بیا ما را دور هم جمع کن! بیا به ما برس! خودتان عاقل و بالغ و دانشجو و فرهیخته و نخبه هستید، بیا بید این‌ها را جمع بکنید.

#### ۴- اردوی جهادی پزشکی

[۶۵+] ما یک نیت هم کردیم در این اردوی جهادی پزشکی که اخیراً رفته بودیم. می‌دانید که اردوی پزشکی در مجموعه اردوهای جهادی پیشاهنگ فعالیت‌هاست؛ یعنی در دسته چشم‌پزشکی، دندانپزشکی، دامپزشکی فعالیت‌هایی است که می‌تواند پیشاهنگ برود، حتی فعالیت‌های فرهنگی پشت این می‌تواند حرکت کند؛ یعنی این فعالیت‌ها خیلی راحت جبهه را باز می‌کند. خیلی کاراست. اگر تیمی دندانپزشک داشته باشد، یا نداشته باشد، زمین تا آسمان فرق دارد. در



خیلی از این مسافرت‌های جهادی که ما رفتیم و مخصوصاً در این سفر اخیر خیلی به چشم آمد، یکی از شایع‌ترین بیماری‌هایی که وجود دارد، سرطان سینه است که اگر با دستگاه تشخیص داده بشود و ماموگرافی بشود، به لحاظ بالینی چندین سال جلوتر مشخص می‌شود و ما چقدر مریضی، چقدر قطع عضو، چقدر مرگ و میر در این قضیه داریم که فاجعه است. این جزء چیزهایی است که بسیار شایع است. ما با مسئولین هماهنگ کردیم دیدیم قیمت دستگاه ماموگرافی ۲۰۰ میلیون تومان است که به صورت سیار کار معاینه را انجام بدهیم. من در برنامه دکتر سلام هم گفتم این «کراودفاندینگ» (جذب سرمایه جمعی) انجام بدهیم؛ مثلاً شما ۱۰ هزار نفر هستید، هر کدام ۱۰ هزار تومان بدهید ۱۱۰ میلیون پول می‌شود! ان شاء الله من نیت کرده‌ام این کار را به فضل الهی و با خشنودی قلب حضرت زهرا سلام الله علیها و امیرالمؤمنین انجام بدهم. فکر کنید خواهر و مادر خودت هستند، مریض خودت هستند. من عزم کرده‌ام که هفته بعد بخرم. عکس دستگاه را هم می‌گیرم و در کانال می‌گذارم. من خیلی ناراحت شدم وقتی می‌بینم یک مادر در خانه‌ای مرده به خاطر یک چیزی که خیلی راحت قابل تشخیص بوده! در صورتی که این بندگان خدا یک عالمه هزینه کرده‌اند و این مادر مرده! و وقتی زود تشخیص داده شود درمان قطعی دارد. این را به کدی که داده شده به خیریه ولی نعمتان بریزید و خیرش الی الابد به عنوان یک صدقه جاریه برایتان می‌ماند.

صلوات!